پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۳۸ بهار ۱۳۹۹

No.38 Spring 2020

۳۱-۴۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶

تحلیل تاریخی تحولات ساختاری-هویتی در کهن‌شهرهای ایرانی اسلامی (مطالعه موردی کهن شهر کاشمر)

➢ **آزاده جلالی :** دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (azadeh.jalali@modares.ac.ir)

➢ **سپیده افسری بجستانی :** کارشناسی ارشد، گروه طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (Sepideh.afsari@modares.ac.ir)

➢ **علی‌رضا صادقی:** استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

نحوه نگرش به جهان، اقتصاد، چگونگی تعامل با زیست‌بوم، مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ساختار شهری و هویتی شهرهای تاریخی ایرانی را رقم‌زده است. ساختار و استخوان‌بندی شهرها در بستر تاریخ و با تغییر دوره‌های حکومتی، تغییرات بسیاری پذیرا بوده است، بنابراین تحلیل و واکاوی ساختار و سازمان فضایی شهرها و شناسایی عناصر هویتی حائز اهمیت است. ترشیز (کاشمر) با قدمت ۲۰۰۰ ساله و با سابقه استقرار قوم پارت، شهری با تاریخ پرفراز و نشیب می‌باشد که در مسیر تداوم تاریخی، آگاهانه و ناآگاهانه، چهرهٔ کالبدی متفاوتی یافته است. هدف پژوهش حاضر، بررسی تحولات ساختاری و هویتی شهر کاشمر از دوران زرتشت تاکنون و همچنین شناسایی عناصر شاخص و فضاهای شهری مهم در ساختار شهری می‌باشد. این پژوهش به لحاظ محتوایی تاریخی با روش توصیفی-تحلیلی و تفسیری سامان یافته است. رویکرد کلی پژوهش مبنی بر تحلیل و بررسی تأثیرگذاری حوادث تاریخی بر ساختار فضایی و یادمان‌ها و عناصر به‌جای مانده از آن می‌باشد. نتیجه حاصل شناسایی ساختار اصلی و ثانویه شهر و با تأکید بر مرکز شهر کاشمر به‌عنوان مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از مسجد جامع، بازار، مدرسه علمیه، کاروانسرا و لبه‌های فعال تجاری است و حفظ و بازطراحی آن‌ها به‌منظور ارتقای هویت در توسعه‌های جدید شهر کاشمر پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: ساختار شهر، عناصر هویت‌بخش، تحولات تاریخی، کهن‌شهر ایرانی اسلامی، شهر کاشمر

Abstract

The way of thinking about the world, and social, cultural and political conditions shaped the urban structure and identity of Iranian cities. The structure of cities has been incredibly changed throughout history, therefore, analysis of the spatial structure of the city and identification of identity elements is crucial. Torshiz (Kashmar), dating back to the 2000s with a history of Parthians' residence, was a city with vicissitude history, has consciously or unconsciously taken different physical forms. The purpose of this article is to investigate the structural and identity changes of Kashmar from the Zoroaster era to the present time, and identify the city elements important to the urban structure. This research has historical content based on descriptive-analytical and interpretive research method. The general approach is based on the analysis and study of the impact of historical events on the spatial structure and elements. The results identify the main and secondary structure of the city and emphasize the city center as an integral combination of master mosque, bazaar, seminary, caravanserai and commercially active edges, and it is proposed to preserve and redevelop them to promote identity in the new developments of Kashmar.

Keywords: City Structure, Identical Elements, Historical Changes, Ancient Iranian Islamic City, Kashmar City

*نویسنده مسئول مکاتبات: علی‌رضا صادقی (arsadeghi@shirazu.ac.ir)

مقدمه

شهر به‌مثابه تبلور آیین و اندیشه جامعه، در تمدن‌های مختلف شکل‌های منحصربه‌فردی یافته است. گوناگونی شهرها در تاریخ و جغرافیای جهان بیش از هر چیز معلول همین تفاوت در آیین‌ها و اندیشه‌هاست و این تفاوت‌ها خود را در ساختار و سازمان فضایی شهرها به‌خوبی نمایان ساخته است (حبیبی و همکاران، ۱۳۷۶: ۱). سازمان فضایی شبکه از عناصر مراکز شهری، محورهای مهم ارتباطی، محورهای مهم عملکردی و کاربری‌های عمده تشکیل می‌دهد. عناصر مهمی در شهرهای موجود هستند که تاریخ رشد کالبدی شهر را نشان می‌دهند، به عبارتی برخی از مهم‌ترین عناصر در شهرها در بستر تاریخ شکل‌گرفته است و دارای هویتی شاخص می‌باشد. ساختار و استخوان‌بندی شهرها در بستر تاریخ و با تغییر دوره‌های حکومتی، تغییرات بسیاری پذیرا بوده است. بااین‌وجود تحلیل و واکاوی ساختار و سازمان فضایی شهرها و شناسایی عناصر هویتی حائز اهمیت است. شهر کاشمر یکی از کهن‌ترین شهرهای استان خراسان رضوی می‌باشد. اهمیت تاریخ کاشمر از حیث قدمت آن است که طبق منابع هسته قدیم شهر در دوران زرتشت برپا شده است. این شهر نزد زرتشتیان باستان شهر مقدس محسوب شده و آتشکده ساخته‌شده در آن یکی از سه آتشکده بزرگ زرتشتیان در دوران ساسانیان بوده است. همچنین چندین بار نام و جایگاهش در طول فراز و نشیب‌های تاریخ عوض شده است. بااین‌حال آنچه محقق است هنوز از گوشه و کنار آثاری هرچند اندک می‌توان حکایت این شهرکهن را جستجو کرد. هدف مقاله بررسی تحولات ساختاری و هویتی شهر کاشمر در بستر تاریخ از دوران زرتشت تاکنون و هم‌چنین شناسایی و تحلیل عناصر شاخص و مهم در ساختار بافت شهری می‌باشد تا بتوان ساختار اولیه و ثانویه مرکز شهر را شناسایی و آن را در توسعه‌های جدید شهر کاشمر حفظ و بازطراحی نمود. سؤالات اصلی پژوهش مبنی بر این است که شهر کاشمر در طول تاریخ چه تحولاتی به لحاظ شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی داشته است و تأثیر عوامل مختلف بر شکل و استخوان‌بندی شهر چگونه بوده است؟ ساختار اولیه و ثانویه و عناصر و فضاهای شاخص هویتی در بافت تاریخی شهر کاشمر کدم‌اند؟

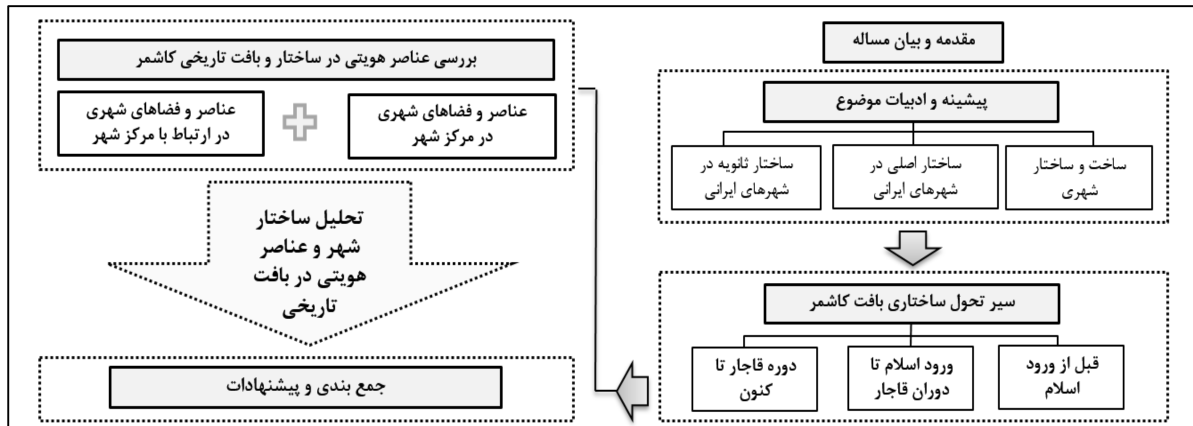
پیشینه پژوهش

مورخان بسیاری، به ثبت تاریخ و بیان رویدادها و دوره‌های تاریخی پرداخته‌اند، اما تحلیل تاریخ نه‌تنها از نگاه صرف حوادث و رخدادهای زمان، بلکه تأثیر آن‌ها بر کالبد شهر و توجه به مسائل شهرسازی موردتوجه شهرسازان قرارگرفته است. حبیبی در *از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر)*، تاریخ را به سه دوره تقسیم و به بیان مفهوم شهرهای ایران و تغییرات کالبدی آن‌ها متأثر از جهان‌بینی، اقتصاد و اقلیم پرداخته است. از طرفی در آثار مورخان بسیاری هنگام ثبت تاریخ مربوط به استان خراسان و شمال شرق ایران قدیم، اطلاعات مربوط به ترشیز (کاشمر قدیم) یافت می‌شود. خسروی (۱۳۷۲) در *تاریخ کاشمر*، به بیان حوادث دوره‌های تاریخی در شهر کاشمر پرداخته است. افرادی دیگری مانند، حقیقت (۱۳۷۶)، سعیدیان (۱۳۷۹)، حسینی (۱۳۸۳)، افشارسیستانی (۱۳۸۷)، سعادتمند (۱۳۸۷) در آثار تاریخی خود، مطالعاتی نسبت به شهر کاشمر انجام داده‌اند. آلفونس گابریل در کتاب *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران* و لسترنج در *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی* و در نوشته‌های خود از ترشیز یادکرده‌اند. نوآوری پژوهش حاضر بررسی حوادث تاریخی از منظر شهرسازی و همچنین تجلی آن‌ها بر ساختار شهر کاشمر می‌باشد.

روش‌شناسی

این تحقیق به لحاظ محتوا نوعی پژوهش تاریخی می‌باشد که متکی بر روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و تفسیری می‌باشد. رویکرد کلی پژوهش مبتنی بر تحلیل، بررسی و تأثیرگذاری حوادث تاریخی بر سازمان فضایی و استخوان‌بندی شهری کاشمر می‌باشد که اطلاعات لازم از بررسی اسناد تاریخی و تحقیق‌های صورت گرفته در ارتباط با تاریخ شهر و هم‌چنین اطلاعات موجود در طرح‌های توسعه شهری کاشمر بهره گرفته شده است. به‌منظور تکمیل مطالعات و شناخت شهر از رویکرد پدیدارشناسی باهدف شناسایی پدیده‌ها و ادراک آن‌ها در موقعیتی خاص توسط ساکنین استفاده شد و از

طریق مصاحبه و برداشت تصویر ذهنی ساکنین قدیمی در محله‌های تاریخی، عناصر شاخص در دوران پهلوی و پس از انقلاب اسلامی شناسایی شد. در این پژوهش ابتدا ادبیات موضوع در ارتباط با ساختار فضایی، عناصر تأثیرگذار در ساختار هویتی شهر بررسی می‌شود. سپس شهر کاشمر به‌عنوان نمونه موردی معرفی و سیر تحولات ساختاری در بستر تاریخ بررسی و تحلیل می‌شود. سپس عناصر شاخص هویتی که از دوران کهن تاکنون باقیمانده و هم‌چنین از دوران قاجار به بعد شکل‌گرفته است، شناسایی و منطبق با اصول شهرسازی تحلیل می‌شود. جمع‌بندی و نتیجه حاصل بیان ساختار اولیه و ثانویه مرکز شهر جهت حفظ و بازطراحی آن می‌باشد.



تصویر ۱: فرایند پژوهش (مأخذ: نگارندگان)

مبانی نظری

ساخت و ساختار شهری

در حوزه مباحث شهرسازی، مطالعات گسترده‌ای در حوزه ساخت و ساختار شهری، عناصر اصلی شکل‌دهنده آن، تأثیر آن بر استخوانبندی و هویت شهری انجام شده‌است. ساختار شهری از آن دسته مفاهیمی است که رویکردهای مختلف زیست‌شناختی، جامعه‌شناختی، زبان‌شناختی بر شکل‌گیری معنایی آن دلالت داشته‌اند (اهری، ۱۳۹۵: ٦٤). به‌صورت کلی، ساختار به آن دسته از قواعدی اطلاق می‌شود که توجیه‌کننده روابط و موقعیت بین عناصر است. روابطی که برخلاف عناصر پایدار و ثابت بوده ولی درمجموع به کمک آن عناصر، تشکیل‌دهنده و حافظ یک کلیت واحد هستند (سلطانی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵؛ حمیدی و همکاران، ۱۳۷٦: ۱۲). ساختار اصلي شهر نیز به‌مثابه یک فراسیستم چارچوبی منعطف برای شکل‌گیری انواع زیرسیستم‌ها در طول دوره‌های زمانی فراهم می‌آورد و به زیرسیستم‌هاي خود، اجزاء و عناصر اصلي شهر، شکل و سازمان می‌دهد (بذرگر، ۱۳۸۲: ۵۳). در واقع شهر به‌عنوان یک نظام کالبدي که پیکره‌ای مشخص و رشد یابنده دارد، داراي یک ساختار اصلي از ارکان و عناصر اساسي است که به تعبیر شهرسازان ساختارگرا، این عناصر، اجزا دیرپای، تغییرناپذیر و شاخص ساخت اصلی شکل شهر هستند و استخوان‌بندی شهر را مشخص می‌کنند. چندی از محققان عناصر اصلی ساخت شهر را برشمرده‌اند. دیوید کرین عناصر ساختار اصلی شهر را شامل خیابان‌ها، بناهای عمومی و فضاهای باز و تسهیلات آن‌ها معرفی می‌کند. افرادی همچون دیوید کرین، بیوکانن و لنگ مفهوم ساختار اصلی شهر را مرتبط با عناصری که بنا به عملکردشان نقش اصلی در حیات شهری بر عهده دارند می‌دانند (اهری، ۱۳۹۵: ۲٦). از نظر اهری مسیرهای اصلی، فضاهای باز و بناهای عمومی و یادمانی تشکیل‌دهنده کلیت شهر هستند. به‌زعم دانشپور و روستا، مؤلفه‌های اصلی ساختار شهر شبکه‌های اصلی دسترسی، عناصر طبیعی شاخص در شهر و مراکز عمده فعالیتی هستند. همگی این عناصر واجد هم‌پوشانی و اشتراکاتی است که بازنمود بخش‌های پایدار شهر بوده است و به گفته جان لنگ تشکیل‌دهنده تصویر ذهنی از شهر هستند (اهری، ۱۳۹٤: ۲٤). در کنار ساختار اصلی شهر که کلیات و استخوان‌بندی شهر را نشان می‌دهد، ساختار ثانوی و یا ساختارهای فرعی نیز وجود دارد. از منظر تفکر ساختارگرایی، ساختار فرعی شهر به‌صورت ارگانیک توسط خود مردم ایجاد

می‌شود. این گروه معتقدند که معماران و شهرسازان، تنها بایست ساختار اصلي شهر را برنامه‌ريزي و طراحي كنند و در ساختار ثانويه و فرعی شهر تسهیل‌کننده توسعه باشند. بنابراین، با طراحي ساخت اصلي شهر، كه در واقع استخوان‌بندی شهر است، می‌توان امیدوار بود که شکل شهر نیز با همان چارچوب توسعه یابد (دانشپور و روستا، ۱۳۹۱: ۵۳). همچنین باید متذکر شد توجه به ساخت و ساختار شهری و عناصر اصلی سازنده آن به‌خصوص در بافت‌های تاریخی امکان بازشناسی هویت شهری را فراهم می‌کند. شهرهای امروزی ما دچار بحران هویت هستند، زیرا در این شهرها بدون پیوند با گذشته تغییر شکل بنیادین اتفاق افتاده است و حال‌آنکه این گسست، باعث از دست رفتن قدرت و قابلیت تشخیص و تمایز گردیده است (دانشپور و روستا، ۱۳۹٤: ۲۳) بنابراین تقویت و احیا ساختار و عناصر بافت‌های تاریخی شهرها بخشی از هویت‌بخشی به زندگی شهری است.

بررسی ساخت و ساختار اصلی در شهرهای ایرانی اسلامی

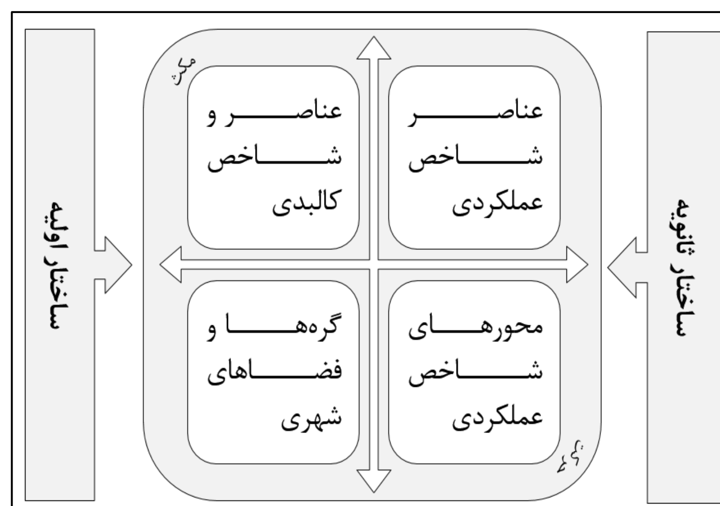
در دوره‌های مختلف تاریخی در ایران می‌توان، ساختار اصلی شهر و یا سازمان فضایی آن را به کمک عناصر اصلی و ارتباط مابین آن‌ها شناسایی کرد. سازمان فضایی شهر ایرانی قبل از ورود اسلام مرکب از مناطق جداگانه، «کهندژ»، «شارستان» و «حومه» بوده که با رعایت ترتیب اهمیت ساکنان و متولیان آن در شهر مکان‌یابی می‌شدند. کهندژ، محل سکونت پادشاه، حکام و درباریان بوده و اغلب در بهترین نقطه شهر و در سطحی بالاتر از سایر نقاط قرار داشته و توسط دروازه به خارج متصل می‌شده است. این بخش نظامی خودکفا داشته و از برج و بارو و خندق برای حفاظت ساکنانش برخوردار بوده است. بخش دوم شهر یا شارستان، در دوره‌های مختلف شاهنشاهی چهره متفاوت داشته و محل سکونت دبیران، مغان، روحانیون، کسبه و شهروندان و دارای حصار و دیگر استحکامات لازم بوده است. در حومه اغلب شهرها و روستاها، سکونتگاه‌هایی برای کشاورزان و گاه پیشه‌وران احداث می‌شده که به سواد با حومه معروف بوده است. تأکید این سازمان بر تمایز عرصه‌های طبقات اجتماعی و شفافیت بخشیدن جدایی معنایی آن‌ها است. سازمان شهر به هرمی می‌ماند که عناصر تشکیل‌دهنده آن برحسب رتبه و مقام به نحوی چیده شده‌اند که شهروندان به‌سادگی قادر به ادراک ساخت اجتماعی جامعه و جایگاه خود در روح جمعی شهر باشند (سلطان‌زاده، ۱۳٦۲: ٦۸-٥۹).

با ورود اسلام به‌عنوان یک ایدئولوژی کامل و فراگیر، کلیه ابعاد زندگی اجتماعی و انسانی را متأثر شد و درنتیجه تغییرات سترگ دیگر شاخصه‌های شهری نیز که در ساخت سازمان فضایی شهرها مؤثرند، تحقق یافت (خالدیان و همکاران، ۱۳۹۳: ٥). عناصر اصلی مجموعه شهری در شهرهای اسلامی دارای نوعی ارتباط متقابل فضایی یکپارچه و به‌هم‌پیوسته بوده‌اند. به نظر محققین، شهرهای اسلامی دو مشخصه اصلی داشتند: یکی مسجد و دیگری بازار. همچنین این دو عنصر در کنار مرکز حکومت و فضاهای مسکونی ضمن آنکه هرکدام جا، مرتبه و شخصیت خاص خود را در سلسله‌مراتب فضاهای شهری حفظ می‌کنند و به ایفای نقش خود می‌پردازند، باهم مجموعه واحدی را پدید می‌آورند که شهر را از نظر فضا واحدی منسجم و به‌هم‌پیوسته نشان می‌دهد (دانشپور و شیری، ۱۳۹٤: ۲۰). بین قرن اول تا چهارم هجری سازمان شهری بر مبنای حکومت، مذهب، اصناف و امت شکل گرفت که هرکدام تبلور فضایی خود را داشتند، یعنی حکومت در ارگ، مذهب در مساجد و مدارس و زوایا و تکیه‌ها و خانقاه‌ها، اصناف در بازار و بازارچه‌ها و امت در محلات کالبدی جای می‌گرفتند. در دوره سامانیان سازمانی نوشکل می‌گیرد و ربض گسترش می‌یابد و بازار در حرکت خویش به‌سوی دروازه‌های شهر، محلات متفاوت را می‌آفرینند. در اواخر قرن دوم هجری میدان‌های بزرگی ساخته می‌شود که در اطراف آن دیوان‌های مختلف، کاخ حکومتی، مسجد جامع و بازار برپا می‌گردد. در قرن پنجم و ششم هجری در حکومت سلجوقی کالبد شهر عبارت است از میدان اصلی و بزرگ در میانهٔ شهر که در پیرامون آن کاخ‌ها، دیوان‌ها، مسجد جامع و گاه بیمارستان قرار دارد و گرداگرد این مجموعه محلات شهری شکل می‌گیرد. مدارس و مساجد هم درهای خود را به روی بازار یا گذرهای اصلی می‌گشاید. در قرن هفتم یا یازدهم هجری یعنی عصر پس از حمله مغولان، دوره فروپاشی شهر و نظام کالبدی است. ساخت شهر از دوره صفوی تا زمان قاجار بر مبنای مکتب

اصفهان است. در مکتب اصفهان مجموعهٔ زیستی دارای یک میدان یا مرکز ثقل می‌شود و عناصر اصلی حکومتی، دیوانی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی در کنار آن جای می‌گیرد. اواخر قرن یازدهم هجری و دورهٔ ایلغار افغان، نقطه پایانی بر حیات شهری است. در دورهٔ قاجار و عمدتاً در تهران برای اولین بار خیابان با الگوی فرهنگ اروپا به‌خصوص فرانسهٔ عصر صنعت، مفهومی جدید به‌عنوان مکان تجارت و بازرگانی می‌یابد. در دورهٔ پهلوی ۱۳۵۷-۱۲۹۹ش با دگرگونی‌های فرهنگی در راستای توسعهٔ برونزا -مبنی بر مکتب نوگرایی و الگوی رفتاری بیگانه- شهر به‌عنوان تبلور فضایی- کالبدی این دگرگونی، ارزش‌های کهن و پایدار سازمان فضایی خویش را به دور می‌افکند و تغییرات عمدهٔ عینی و مادی در کالبد آن رخ می‌دهد (حبیبی، ۱۳۸۷).

بررسی ساخت و ساختار ثانویه در شهرهای ایرانی اسلامی

اهری، در بررسی مطالعات محققان در مورد شهرهای ایرانی، ساختار ثانویه را افزون بر ساختار اصلی معرفی می‌کند که پیشینه آن به دوره قاجاریه بازمی‌گردد. این ساختار به‌ویژه بر اساس مراسم آیینی ماه محرم به‌عنوان «مهم‌ترین رویداد اجتماعی» که در شهر دوره قاجار برگزار می‌شد، به وجود آمده است. شیعه و همکاران در پژوهش خود نیز نشان دادند که مراسم و مناسک آیینی و مذهبی ازجمله عوامل مهم در شکل‌گیری سازمان فضایی شهر و پایداری و ماندگاری فضاهای شهری می‌باشد. به‌طور خاص مراسم عزاداری محرم و صفر در رابطه با ساختار شهر سنتی ایرانی دارای اهمیت ویژه‌ای است. این ساختار ثانویه از پیوند میان مکان‌ها از طریق مسیرهایی به وجود آمده است. مکان‌های این ساختار، محله‌های برگزاری بخش‌های مختلف آیین‌های ماه محرم است و تکیه‌ها، حسینیه‌ها، مساجد، امامزاده‌ها، عناصر مذهبی دیگر، خانه‌های مردم که وقف مراسم محرم مثل چهل‌منبر و غیره شده‌اند را شامل می‌شود. مسیرها، معابری است که این مکان‌ها را به هم متصل می‌سازد و در مراسم ماه محرم توسط عزاداران طی می‌شود. چنین مسیرهایی در ارتباط با فضاهای مهم و هویت‌بخش شهرها که عواملی مانند حس تعلق به مکان، وحدت اجتماعی، هویت و تداوم خاطرجمعی سبب بقا و احیا آن‌ها شده است پدید آمده‌اند. برخی از مکان‌های سازنده این ساختار با مکان‌های ساختار اصلی مشترک و برخی متفاوت‌اند (اهری، ۱۳۹٤: ۲۷؛ شیعه، ۱۳۹۲: ۱۱۷). به‌طورکلی می‌توان بیان نمود که با توجه به دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف در زمینه ساختار شهری، مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده به ساختار اولیه و ثانویه در قالب عناصر شاخص و محورهای شاخص می‌باشد که هریک از آن‌ها می‌توانند به‌صورت عناصر شاخص عملکردی، کالبدی، گره‌ها و فضاهای شهری، خیابان‌ها و محورهای عملکردی باشند (تصویر ۲).



تصویر ۲: عناصر شکل‌دهنده به ساختار اولیه و ثانویه شهرهای تاریخی (مأخذ: نگارندگان)

شهر کاشمر

معرفی و وجه‌تسمیه

کاشمر که یکی از شهرستان‌های خراسان رضوی است، از شمال به نیشابور و سبزوار، از مشرق به تربت‌حیدریه، از جنوب به مه ولات و از مغرب به خلیل‌آباد و بردسکن متصل می‌شود. این شهر از کهن‌ترین شهرهای ایران است و از گذشته‌های دور تاکنون به سبب پذیرا بودن تاریخی پرفرازو نشیب نام‌های بسیاری داشته است تا آنکه در زمان رضاشاه کاشمر نامیده شد. دیدگاه‌های مختلفی برای وجه‌تسمیه آن وجود دارد. گفته می‌شود در بررسی نام این شهر بیش از ۲۰ نام وجود داشته که می‌توان به واژگان کاشمر، کَشمر، کشمیر، ترشیز، بست، بُشت، طریثیت، کاشغر و سلطان‌آباد اشاره کرد (خسروی، ۱۳۷۲: ۲). گروهی در ریشه‌یابی لغوی کاشمر آن را برگرفته از واژه «کش» به معنای آغوش مادر دانسته و گروهی دیگر به واژه کاج آن را نسبت می‌دهند. کاج یادآور سرو مقدس معروفی می‌باشد که گویا به دست زرتشت، پیام‌آور بزرگ ایرانی در آنجا کاشته شده است. در ناحیه ترشیز به سبب ملاقات میان گشتاسب کیانی و زرتشت نبی و پذیرش دین بهی از جانب شاه، زرتشت نخستین آتشگاه خود را در قلمرو کیانی برپا ساخت و در جلو آن سروی را نیز با دست خویش کاشت تا همین سرو را بر ایمان شاه گواه بگیرد و (افشارسیستانی، ۱۳۷۸:۳۰۷؛ خسروی، ۱۳۷۲: ۱۴-۱۵). در فرهنگ دهخدا نیز از واژه کاجغر با دلالت بر کاج یا همان سرو معروف، واژه‌های کاجخر و کاژخر به معنای کاج بزرگ و درنهایت کاشمر یادشده است زیرا که کاش مبدل کاج است. در ادبیات و متون فارسی نیز واژه کاشمر و یا کَشمر در شعر شاعرانی همچون فردوسی، بهار، انوری و بیدل با اشاره به سرو کَشمری کهن ظاهر شده است. در نثر فارسی از کشمر به‌عنوان ولایتی بزرگ، زیبا و پربرکت یادشده است (یاقوت حموی).

« کنون هرک این پند من بشنوید

پیاده سوی سرو کشمر روید»

(فردوسی، ۱۳۸۵: ۳/ ۳۸۰)

محدوده ترشیز توسط سیاحان، سفرنامه نویسان و کاشفان اروپایی نظیر «فورستر»، «سایکس»، «ون نیدر مایر» موردتوجه قرار گرفت. در این ارتباط سایکس در راه نیشابور به ترشیز (کاشمر)، آثار عتیقی مشاهده کرد که تا حال از نظر دقیق کاشفان اروپایی مخفی مانده بود، از آن جمله بقایای ترشیز قدیم با خرابه‌های یک برج مربوط به قرن دوازدهم و سیزدهم هجری را باید نام برد. سایکس همچنین اولین کسی است که از یک برج قدیمی واقع در کیشمر که از بانی آن هیچ اطلاعی به دست نیامده سخن‌سرایی نموده است (گابریل، ۱۳۴۸: ۳۲۸).

بررسی سیر تحولات ساختاری بافت تاریخی کاشمر

فرآیند شهر گرایی، شهرنشینی، شهرسازی ایران با توجه به منابع، به سه دوره عمده و کلی تقسیم می‌شود. دوره اول، سیر تحول شهر قبل از اسلام، حدوداً از قرن نهم قبل از میلاد آغازشده و تا قرن هفتم میلادی ادامه می‌یابد. این دوره منطبق با شروع تمدن شهری ایرانی بوده و با حمله مسلمانان به ایران و فتح ایران به دست آنان پایان می‌پذیرد. دوره دوم، سیر تحول شهر بعد از اسلام است که با استقرار اولین حکومت‌های مستقل داخلی در ایران شروع‌شده و تا ۱۲۰۰ق/ ۱۸۷۶م، عصر صنعت و شروع سلسله قاجار ادامه می‌یابد. درنهایت، در دوره سوم، سیر تحول شهر در دوران معاصر دنبال می‌شود که این دوره با استقرار حکومت قاجار در ایران شروع و تا ۱۳۵۷ش/ ۱۹۷۹م و پس از آن تاکنون ادامه می‌یابد (حبیبی، ۱۳۸۷: ٦). به تبعیت از این تقسیم‌بندی فوق کاشمر در سه دورهٔ اصلی و تاریخی مطرح‌شده، بررسی می‌شود.

قبل از اسلام

هستهٔ قدیم کاشمر در غرب شهر کنونی در روستای کَشمر امروزی بوده است که محل دقیق سرو مقدس زرتشت و آتشگاه وی بوده است (تصویر ۳). در کتاب دقیقی شاعر نام این آتشگاه آذربرزین مهر بوده است.

«نخست آذر مهر برزین نهاد

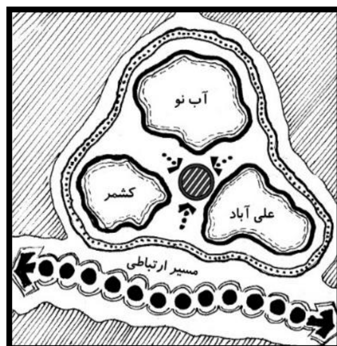
به کشمر نگر تا چه آیین نهاد»

(فردوسی، ۱۳۸۵: ۳/۳۷۹)

همان‌طور که در تصویر شماره ۴ نشان داده شده است، این ناحیه از به هم پیوستن سه آبادی آب‌نو، علی‌آباد و کشمر در مجاورت مسیر ارتباطی به وجود آمده است (سعیدیان، ۱۳۷۹: ٦٨٨).



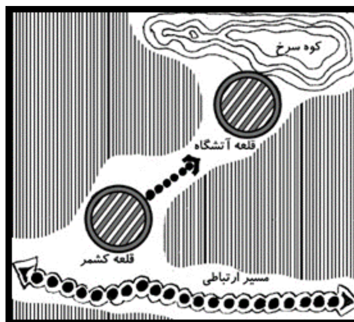
تصویر ۳: موقعیت هستهٔ قدیم شهر نسبت به شهر امروزی (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ٤: هستهٔ قدیم شهر ترشیز (مأخذ: نگارندگان)

اشکانیان: شهرهای دروان اشکانی به لحاظ کالبدی، دارای نظم هندسی و قانون‌مندی خاصی بوده، خیابان‌های اصلی عمود بر هم و شکل شهر به‌صورت دایره‌ای بوده است. مراکز مهم حکومتی در مرکز شهر و فضاهای مسکونی در حلقه پیرامونی آن‌ها بوده است (پاکزاد، ۱۳۹۴: ۱۱۰). دوران اشکانیان شهر کاشمر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. این امر هم به سبب موقعیت جغرافیایی و قرارگیری در مسیر نیشابور- قهستان و هم به سبب آتشگاه کشمر، سرو مقدس و جایگاه زرتشت در آن بوده است. در واقع، آیین مزدیسنا تا زمان حملات اسکندر در تمام قلمرو شاهنشانی ایران رواج عام یافته بود، اما در جنگ‌های خطیر این سردار، آیین ایرانی زرتشتی به کساد و پراکندگی دچار شد و تا زمان حکمروایی جانشینان اسکندر (سلوکی‌ها) بر ایران وضع بدین گونه ادامه یافت. بلاش اشکانی ظاهراً نخستین بار دستور می‌دهد که اوستای پراکنده را جمع کنند و از این حیث، کَشمر به‌واسطه حضور آتشگاه و سرو که هر دو خاطره زرتشت نبی را زنده می‌ساختند، به‌طور طبیعی موردتوجه قرار گرفت (خسروی، ۱۳۷۲: ۲۶).

ساسانیان: در کتیبه پایکلی به نقل از افشار سیستانی آمده است که در زمان ساسانیان کشمیر جزو حدود خراسان حساب شده است. در این دوره، ساسانیان در احیای آیین باستان بیش از تمامی سلسله‌های شاهنشاهی کوشیدند و چون در آن زمان دیگر از آتشکده کشمر چیزی بر جای نمانده بوده، شاهان ساسانی به ایجاد آتشکده دیگری دست می-زنند. در تصویر ۵ مشاهده می‌شود که این آتشکده در دامنه جنوبی کوه سرخ (کوه‌های واقع در شمال شهر امروزی) و کمی بالاتر از محل آتشکده باستانی کشمر واقع‌شده است (افشارسیستانی، ۱۳۷۸: ۳۰۸).



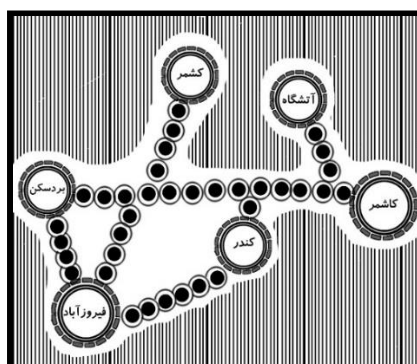
تصویر ۵: موقعیت قلعه‌ها و آتشکده‌های ساسانی (نگارندگان اقتباس از افشار سیستانی، ۱۳۷۸)

دوره ورود اسلام تا دوران قاجار

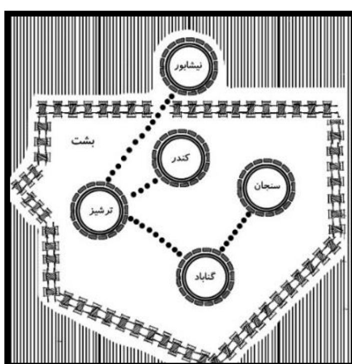
این دوره با استقرار اولین حکومت‌های مستقل داخلی در ایران شروع‌شده و تا ۱۲۹۳ق/۱۸۷۶م، یعنی شروع سلسله قاجار ادامه می‌یابد. در این قسمت، تحلیل تاریخی شهر کاشمر با ورود اسلام، قرن‌های آغازین اسلام و همچنین دورهٔ اسماعیلیان، خوارزمشاهیان، تیموریان و صفویان صورت می‌گیرد.

ورود اسلام: بشت (کشمر) در ۳۱ق، به همراه بیشتر شهرهای خراسان توسط مسلمانان فتح شد. پیروان زرتشت که حاضر به پذیرش دین نو نبودند، این نواحی را ترک نمودند. گروه‌های بی‌شماری از زرتشتیان خراسان، با گذشتن از دریای عمان به بندر بمبئی در هند رفتند. در این میان، جابه‌جایی‌هایی در محل شهر صورت گرفت (خسروی، ۱۳۷۲: ۲۷).

در تصویر ٦ کندر و کشمر و فیروزآباد هر سه در قسمت‌های غربی شهر فعلی قرار دارند اما در تصویر ۷ که از نقشه‌های موجود در سرزمین‌های خلافت شرقی بهره گرفته شده است و در آن موقعیت شهرهای قهستان نشان داده شده است، ملاحظه می‌شود ترشیز در جنوب غربی کندر قرار گرفته است، جایی که اکنون تقریباً روستای فیروزآباد در همان‌جا واقع‌شده است (خسروی، ۱۳۷۲: ۲۹). بررسی و تحلیل نقشه‌ها نشان می‌دهد که در طول تاریخ، جابجایی‌هایی در مرکزیت شهر وجود داشته است. نقاط احتمالی مرکزیت شهر به‌صورت زیر می‌باشد:۱. محل فعلی شهر که در ۲۰ کیلومتری شرق کندر قرار دارد. ۲. محلی که مرکزیت باستانی را داشته است. واقع در محل فعلی روستای کشمر که در فاصله چند کیلومتری شمال غرب روستای کندر می‌باشد. ۳. روستای فیروزآباد در ۲۰ کیلومتری جنوب غربی روستای کندر (سعیدیان، ۱۳۷۹: ٦٨٨).



تصویر ٦: موقعیت احتمالی هستهٔ اولیه شهر در سرزمین قهستان (خسروی، ۱۳۷۲: ۲۸)

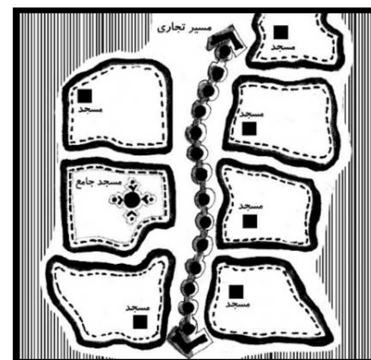


تصویر ۷: موقعیت احتمالی هستهٔ اولیه شهر در سرزمین بست (خسروی، ۱۳۷۲: ۲۸)

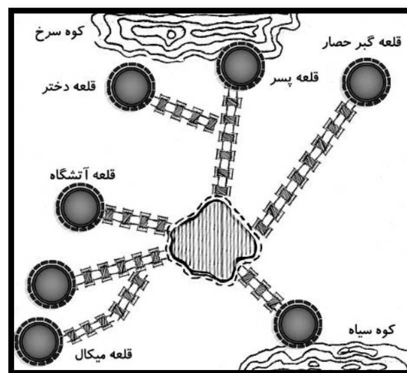
قرون اولیه اسلامی: در قرن‌های آغازین اسلامی در سرزمین قهستان در شمال شرق کشور، ولایت پشت قرار داشته است که شهرهای عمده‌اش ترشیز و کندر بود. در ولایت پشت هفت شهر دیگر وجود داشته که هرکدام دارای مسجد جامع بوده‌اند، اما مسجد جامع ترشیز بسیار مشهور و زیبا بوده است. مقدسی مسجد جامع ترشیز را چنین وصف کرده: «جز مسجد دمشق مسجدی از آن بهتر نباشد و جلو آن حوضی مدور قرار دارد» (خسروی، ۱۳۷۲: ۳۲). ترشیز دارای هفت محله بود که هر محله مسجدی داشت (تصویر ۸). این شهر علاوه بر دکان‌های کهن، بازارهای فعالی داشت که به‌عنوان انبار خراسان محسوب می‌شد و کالاهای تجاری از طریق این مسیر تجاری و راه ارتباطی به فارس و سپس به اصفهان منتقل می‌شد (حقیقت، ۱۳۷٦: ۴۲۷). در همین دوران، در سال هجری ۲۴۷، سرو کاشمر را که یادبود مقدس در میعادگاه صلح و دوستی بود، به‌فرمان متوکل خلیفه عباسی انداختند و آن را قطعه‌قطعه کرده تا به ساختمان قصر جدید خلیفه در سامره ببرند. زرتشت گفته بود که هرکس دستور به قطع این سرو و سرو دیگری در فریومد بدهد بلافاصله خواهد مرد. اعتراض و خواهش زرتشتیان در جلوگیری از این عمل فایده نداشت و هنگامی‌که سرو به کنار رود دجله رسیده، پادشاه کشته‌شده بود (حقیقت، ۱۳۷٦: ۴۲۷).

اسماعیلیان: در ۵۲۰ق، وزیر سلطان سنجر سلجوقی ترشیز را محاصره و غارت کرد و از آن پس شهر یکی از بلاد اسماعیلیه گردید و رئیس اسماعیلیه بر نقاط مهمی در اطراف ترشیز استیلا یافت و در آنجا چندین قلعه برای تسلط بر نواحی مختلف قهستان بنا کرد (حقیقت، ۱۳۷٦: ۴۲۷). حسن صباح هنگامی‌که خود در ۴۸۳ق در الموت استقرار یافت،

دستیار معروف خود حسین قاینی را که از پیش حکومت قهستان و ترشیز را داشت به‌عنوان داعی به ترشیز اعزام کرد. قلعه‌های مشهور به قلعه دختر و قلعه ملاحده در سرتاسر قهستان مرتبط با همین دوران می‌باشد و قلعه‌هایی به نام‌های میکال، بردارود، مجاهدآباد و آتشگاه تا نیمه‌های قرن هشتم در سرزمین ترشیز شهرت داشته‌اند. جز این‌ها، قلعه‌های بسیاری در قلل رفیع کوه‌سیاه و کوه‌سرخ وجود داشت که غالباً از آن‌ها به نام قلعه دختر نام‌برده می‌شد. هم‌اکنون از شمال شهر کاشمر تا روستای درونه قله‌های بلندی وجود دارد که بر فراز آن‌ها آثار قلاع تاریخی دیده می شود که یکی از قلعه‌های استراتژیک اسماعیلیه بر روی آثار باقی‌مانده از آتشکده‌های زرتشتی بنا شده بود (خسروی، ۱۳۷۲: ۳۸-۳۵). در تصویر ۹ موقعیت قلعه‌های اسماعیلیان نسبت به شهر ترشیز مشخص‌شده است. البته لازم به ذکر است که برخی از این قلعه‌ها سابقه و قدمتی بیش از اسماعیلیه دارند. مثلاً قلعه میکال یا میکالی از قلاع بسیار کهن خراسان است، چنانکه پس از شکست سلطان مسعود غزنوی از سلجوقیان، به دستور او اموال و ذخایریش در نیشابور را به قلعه میکالی بُست فرستادند و در آن جا پنهان ساختند (خسروی، ۱۳۷۲: ۳۸-۳۵).

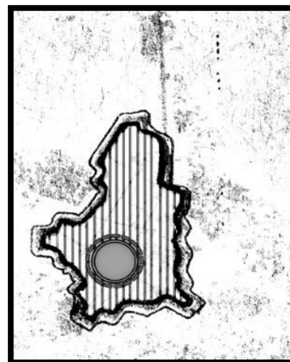


تصویر ۸: شهر در قرن‌های اولیه اسلامی
(نگارندگان اقتباس از حقیقت، ۱۳۷۶)

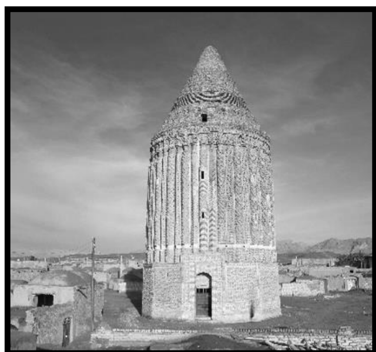


تصویر ۹: موقعیت قلعه‌های اسماعیلیان نسبت به شهر ترشیز
(مأخذ: برداشت‌های میدانی و پرسش از ساکنین شهر)

خوارزمشاهیان تا تیموریان: در زمان خوارزمشاهیان، محمد، پسر سلطان علاءالدین تکش خوارزمشاه، برای سرکوب اسماعیلیان به قهستان آمد و ترشیز را محاصره کرد. در این زمان شهر دارای حصاری محکم و خندق بوده است. در اواسط قرن هفتم نیز، هلاکوخان به دفع اسماعیلیان ساکن در ترشیز پرداخت و از آن پس ترشیز دوباره روی به آبادی نهاد (حقیقت، ۱۳۷۶: ۴۲۸). پس از حملهٔ مغول، مردم کاشمر به ناحیه‌ای که امروزه به قریه سلطانیه معروف است، مهاجرت کردند (تصویر ۱۰). شهر در آن زمان با نیشابور، طوس، یزد و اصفهان و کرمان راه داشت. در پایان قرن هشتم هجری، ترشیز به علت داشتن بارویی بسیار بلند، قلعه‌ای غیرقابل‌تسخیر به‌حساب می‌آمد، اما امیر تیمور گورکان شهر را تصرف و باروی آن را ویران کرد و شهر تبدیل به خرابه‌هایی شد (حقیقت، ۱۳۷٦: ۴۲۸). درزمان تیموریان، تپه‌ای در روستای علی‌آباد به نام تپه کوچ بود که دارای کانالی برای جلوگیری از حمله به قلعه بوده است (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۰۴). در دوران ایلخانان برای تسکین مردم به خاطر از دست دادن سرو کهن، برج و منار علی‌آباد کشمر بنا می‌شود. بنایی که بر روی قلعه‌ای به نام کوشک ساخته شد و معماری آن آجری به شیوه برج رادکان می‌باشد (مشکوتی، ۱۳۴۵: ۹۱).

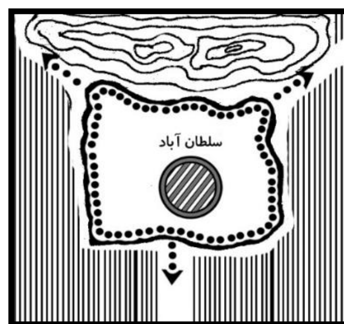


تصویر ۱۰: موقعیت سلطانیه نسبت به شهر امروزی (مأخذ: نگارندگان)

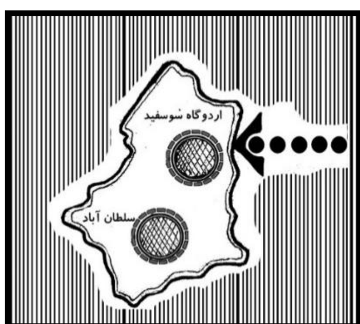


تصویر ۱۱: برج علی‌آباد کشمر (مأخذ: سازمان میراث فرهنگی خراسان رضوی)

صفویان: در قرن دهم، ترشیز به تمام بلوکی اطلاق می‌شد که پشت‌کوه‌هایی بودند و از طرف جنوب محدود به جلگهٔ نیشابور بود (تصویر ۱۲) و خود شهر گاه به همان اسم ترشیز و گاه بانام سلطان‌آباد ذکر می‌شد (خسروی، ۱۳۷۲: ۵۶). فورستر در سفر به ایران در شرح ترشیز ذکر نموده بود که «از یک سلطان‌آباد قدیم و یک قسمت جدید تشکیل‌شده بود و تقریباً صد خانواده هندو در محله مخصوصی از آن سکنی داشتند» (گابریل، ۱۳۴۸: ۱۸۰). علیقلی خان، حاکم وقت در زمان صفویان در محل سوسفید برای احضار حکام خراسان اردوگاهی زد. این اردوگاه همان مکانی است که اکنون بقعه و بارگاه حضرت حمزه بن موسی در اراضی آن بنا شده است. به عبارتی محل فعلی شهر کاشمر که در تصویر ۱۳ مشاهده می‌شود، همان سوسفید قدیم است (خسروی، ۱۳۷۲: ۵۸).



تصویر ۱۲: بلوک ترشیز در روزگار صفویان (مأخذ: نگارندگان)



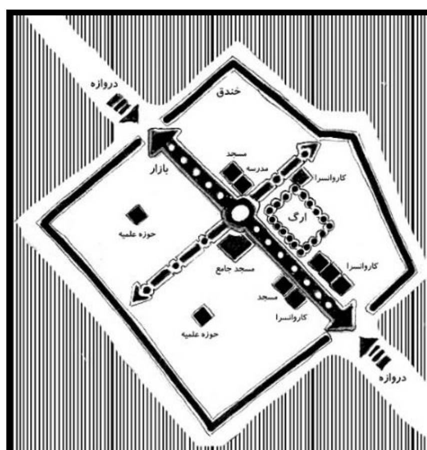
تصویر ۱۳: موقعیت اردوگاه سوسفید در شهر امروزی (مأخذ: نگارندگان)

دوران معاصر

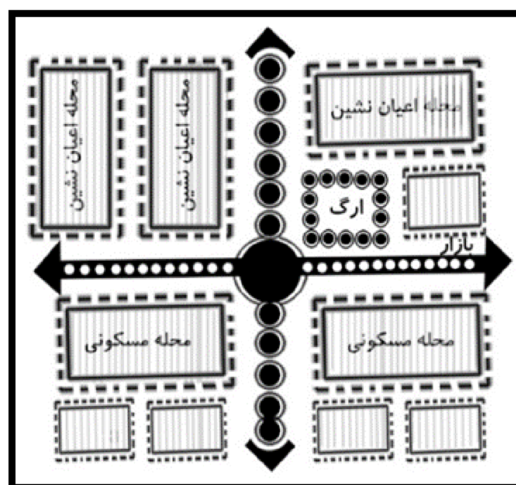
قاجار: هستهٔ اصلی شهر در زمان فتحعلی‌شاه در محلی معروف به «شهرکهنه» بوده و شهر بارو و خندق داشت. چهارگوشه آن نیز چهار برج بوده (تصویر ۱۴) و در گوشه شمال شرقی آن قبرستان شهر قرار داشته است. تصویر ۱۵ استخوان‌بندی شهر را در زمان قاجار نشان می‌دهد. ارگ حکومتی به دستور مصطفی قلی‌خان حاکم شهر در این دوران، در قسمت شمال شهر ساخته و حصاری نیز به دور آن کشیده شد. بازار همچنان در مسیر تربت سبزوار میان دو دروازه شهر بوده و مسجد جامع نیز در قلب آن جای داشته و در شهر عناصر مهمی ازجمله مساجد و مدارس علمیه و کاروانسراها واقع‌شده بودند. محور اصلی بازار شهر کاشمر در تصویر ۱۶ مشخص‌شده و نشان می‌دهد که این محور شرقی-غربی باعث جدا شدن ارگ حکومتی و محلات اعیان‌نشین در شمال، با محلات مسکونی مردم عادی در جنوب شده بود.



تصویر ۱۴: عکس هوایی شهر در زمان قاجار
(مأخذ: وزارت راه و شهرسازی خراسان رضوی)

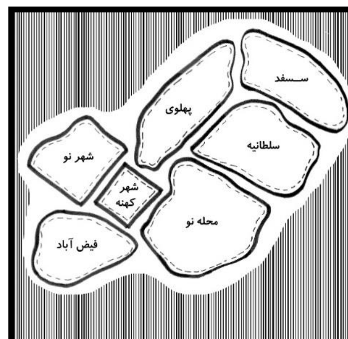


تصویر ۱۵: استخوان‌بندی شهر ترشیز در زمان قاجار
(مأخذ: نگارندگان)

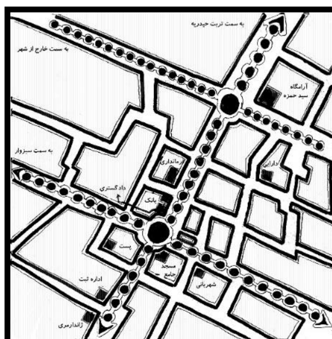


تصویر ۱۶: شکل‌گیری محلات مسکونی و اعیان‌نشین شهر در زمان قاجار
(مأخذ: برداشت‌های میدانی و پرسش از ساکنین)

پهلوی: هستهٔ اصلی شهر در محل میدان انقلاب (مرکزی امروزی) واقع بوده و پس از متراکم شدن این ناحیه، شهر جدید در قسمت شمال غربی آن به وجود آمد. حصار دیگری در اطراف شهر کشیده شد و دروازه شهر در محل تلاقی خیابان فیض‌آباد فعلی با حصار بوده است. خیابان شمالی-جنوبی بانام پهلوی عمود بر مسیر بازار شهر در دوران قاجار شکل می‌گیرد. پس از خراب شدن حصار، شهر در حدود محله نو و محله فیض‌آباد گسترش می‌یابد (تصویر ۱۷). مسجد، مدرسه و ارگ حکومتی و کاروانسرا به‌عنوان عناصر اصلی دوران قاجار جای خود را به پست، بانک، شهربانی، دارایی، فرمانداری، دادگستری می‌دهد (تصویر ۱۸) و شهر از همه طرف توسعه پیدا می‌کند، اما جهت اصلی توسعهٔ شهر به سمت شمال بوده و شهر از طریق محوری مستقیم با اراضی وقفی سید مرتضی مرتبط می‌شود (تصویر ۱۹). درزمان پهلوی، شهر ترشیز، به تصویب مجلس شورای ملی به کاشمر تغییر نام داد (خسروی، ۱۳۷۲: ۹۷).



تصویر ۱۷: محله بندی شهر در دوران پهلوی (مأخذ: برداشت‌های میدانی و پرسش از ساکنین شهر)

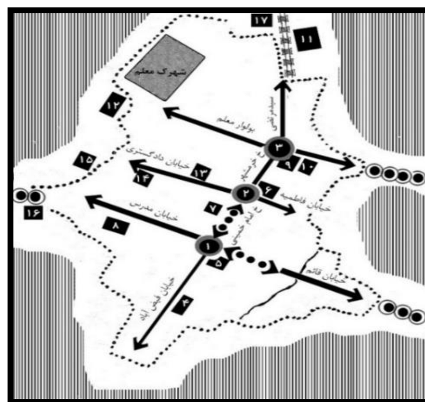


تصویر ۱۸: استخوان‌بندی و شکل شهر درزمان پهلوی (مأخذ: برداشت‌های میدانی و پرسش از ساکنین شهر)

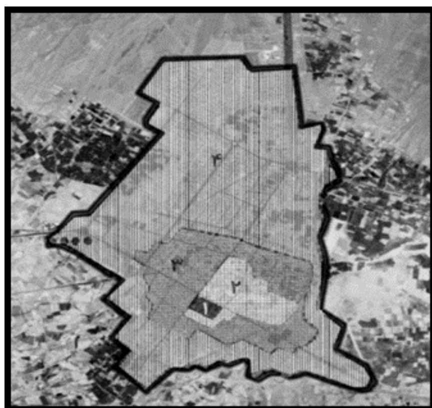


تصویر ۱۹: جهت توسعۀ شهر در زمان پهلوی (مأخذ: نگارندگان)

انقلاب اسلامی: پس از انقلاب اسلامی شهر هم چنان در جهت شمال توسعه یافت و خیابان‌های بیشتری شکل گرفتند و ساختمان‌های جدیدتری مانند بیمارستان و ادارات ساخته شدند که بعدها به جزئی از عناصر استخوان‌بندی شهر بدل شدند. به‌طورکلی از نظر خصوصیات مشترک می‌توان چهار نوع بافت شهری در کاشمر تشخیص داد: ۱. بخش قدیمی‌تر، شامل شهر کهنه و شهر نو. ۲. توسعه‌های روستایی قدیم، شامل محلات سلطانیه و قریه فیض‌آباد. ۳. بخش‌های توسعه هسته اصلی شهر، شامل محله نو و محله فیض‌آباد که در جنوب شهر و میان قلعه و فیض‌آباد شکل پیدا کرده است. ۴. بخش جدید شهر و توسعه‌های بعد از طرح جامع مصوب ۱۳۶۱ است که بیشتر در سمت غرب و شمال غرب انجام گرفته‌اند. شکل شماره ۲۰، استخوان‌بندی شهر را در دوران انقلاب اسلامی و پس از پهلوی نشان می‌دهد، خیابان‌های جدید در جهت توسعه شهر کشیده شده و ساختمان‌های اداری متعددی در نقاط مختلف شهر شکل گرفتند. اراضی شمالی سید مرتضی با محوری مستقیم به شهر متصل شد و شهر روز به روز بزرگ‌تر شد. همان‌طور که در تصویر ۲۱ مشاهده می‌شود، بیشترین گسترش شهر در سال‌های بین ۱۳۶۵ش تا ۱۳۷۵ش صورت گرفته است



تصویر ۲۰: استخوان¬بندی شهر در دوران انقلاب اسلامی
۱. میدان مرکزی. ۲. میدان باغمزار. ۳. میدان شهربانی. ٤. بیمارستان. ۵. مسجد جامع. ٦. آرامگاه سید حمزه. ۷. پارک شهر. ۸. آرامگاه مدرس. ۹. شهربانی. ۱۰. اداره کشاورزی. ۱۱. دانشگاه. ۱۲. بیمارستان جدید. ۱۳. دادگستری. ۱٤. اداره ثبت و احوال. ۱۵. تامین اجتماعی. ۱٦. ترمینال مسافربری. ۱۷. سیدمرتضی (مأخذ: برداشت‌های میدانی و پرسش از ساکنین شهر)



تصویر ۲۰: مراحل توسعۀ شهر در دوران انقلاب اسلامی
۱. محدوده هستۀ اولیه شهر. ۲. محدوده بافت قدیم. ۳. توسعه شهر بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳٦۵. ٤. توسعه شهر بین سال‌های ۱۳٦۵ تا ۱۳۷۵ (طرح تفصیلی شهر کاشمر، ۱۳۸٦)

در این زمان اصلی‌ترین محورهای عملکردی و اصلی‌ترین عناصر شاخص هویتی در حوزه مرکزی و واقع در بافت تاریخی شهر کاشمر هستند. هسته اولیه و مرکز شهر کاشمر محل تقاطع دو محور شرقی-غربی و شمالی-جنوبی، میدان انقلاب می‌باشد و همچون مراکز قديمي شهرهاي تاريخی ايران عناصر كالبدي آن عبارت‌اند از: مسجد جامع، مدرسه علمیه، بازار، كاروانسرا و ... توسعه اين مركز شهر به‌صورت پيوسته و نسبت به محوري خطي بوده است و عناصر خدماتي در دو مسير تداخل نموده با گذشت زمان و رشد شهر اين عناصر نيز توسعه و رشد نموده‌اند. میدان انقلاب به خاطر قرار گرفتن در تقاطع محورهاي اصلي شهر از هويتي قوي برخوردار شده و هنوز اين قوت به‌صورت فعال باقی‌مانده است. برخی از فضاهای شهری ازجمله باغمزار، سید مرتضی، آرامگاه مدرس در شهر کاشمر در ارتباط با مرکز شهر هستند (تصویر ۲۲).



تصویر ۲۱: فضاهای شهری در کاشمر (مأخذ: نگارندگان)

میدان مرکزی، میدان اصلی واقع در مرکز شهر و تقاطع خیابان‌های فعال شهری (قائم، مدرس، امام خمینی و هفده شهریور) با کاربری عمده تجاری می‌باشد که در گذشته محل تقاطع راسته‌های اصلی بازار و چهارسوق بوده است. بازار شهر کاشمر درگذشته سرپوشیده بوده است که براثر خیابان‌کشی جدید (قائم) بخش‌هایی از آن تخریب‌شده و هم‌اکنون تنها بخش کوچکی از آن باقی‌مانده است (تصویر ۲۳). بازار كاشمر به‌عنوان کانون معاملات اقتصادي و تعاملات اجتماعي-فرهنگي از عناصر اصلي شهر بوده است اما هم‌اکنون بازار شهر کاشمر، نقش و كاركرد تاريخي خود را ايفا نمی‌کند و بسياری از عملکردهای آن متروک مانده است.





تصویر ۲۲: بازار قدیم شهر کاشمر (مأخذ: نگارندگان)

مسجد جامع دقیقاً در قلب و مرکز شهر قرار یافته است و اين گوياي اهميت آن براي اهالي بوده است، اما اين استقرار مركزي، نشانه‌ای تأثیرگذار بر هويت شهري است. مسجد جامع شهر کاشمر در ۱۲۱۳ق و اوايل عمر فتحعلي‌شاه قاجار ساخته شده است و این بنا در ضلع جنوب شرقی میدان واقع‌شده و فضایی برای روابط فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در مرکز شهر می‌باشد. ورودی مسجد جامع (تصویر ۲۴) به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر مرکز شهر شاخص و خوانا

بوده و نفوذپذیری بصری و کالبدی مناسبی دارد. یکی دیگر از عناصر هویتی شهر کاشمر، مدرسه و حوزه علمیه حاج سلطان‌العلما (تصویر ۲۵) است که در بافت تاریخی در نزدیک میدان مرکزی به‌عنوان فضایی نیمه عمومی تلقی شده است. این مجموعه عملکردی به‌واسطه موقعیت قرارگیری و عنصر شاخص بادگیر آن در تصویر ذهنی از شهر جایگاه ویژه‌ای داراست. از دیگر عناصر متمایزکننده میدان مرکزی شهر، کاروانسرا امین‌التجار (تصویر ۲۶) بوده که به‌عنوان یک نشانه شهری و فضای عمومی می‌باشد.



تصویر ۲۳: مسجد جامع کاشمر
(مأخذ: نگارندگان)

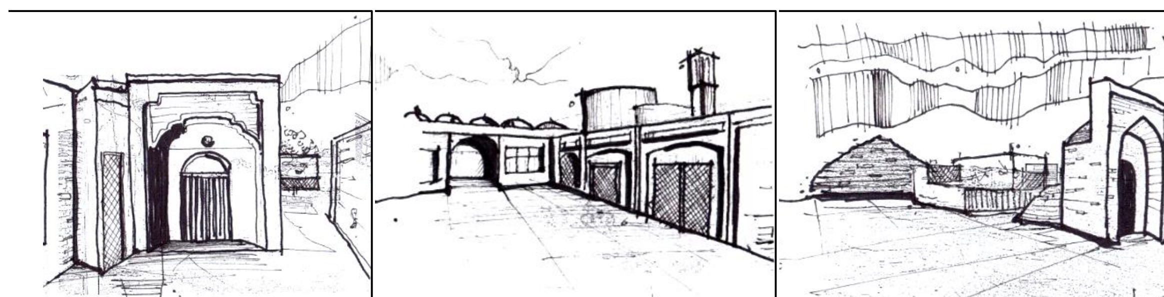


تصویر ۲۴: حوزه علمیه حاج سلطان‌العلما
(مأخذ: نگارندگان)



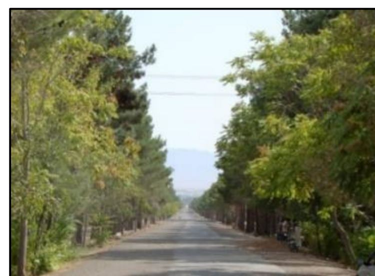
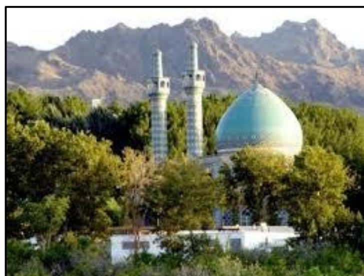
تصویر ۲۵: کاروانسرای امین‌التجار
(مأخذ: نگارندگان)

یکی دیگر از عناصر تشکیل‌دهنده ساختار شهری، میدانچه شهری و فضاهای باز عملکردی است. در شهر کاشمر، این فضاها در مجاورت عناصر تاریخی شهر شکل‌گرفته است. ازجمله مهم‌ترین این فضاها می‌توان به فضای باز مجاور یخدان قدیم شهر مربوط به اواخر دوران قاجار و فضای کنار رباط قدیمی شهر اشاره نمود. همچنین، برخی از میدانچه‌ها نیز به‌صورت محلی درون بافت مسکونی واقع شده‌اند (تصویر ۲۷).



تصویر ۲۶: یخدان، رباط قدیم و میدانچه محلی در مرکز شهر کاشمر (مأخذ: نگارندگان)

در شهر کاشمر، افزون بر موارد ذکر شده در ساختار اصلی، عمده‌ای از عناصر شاخص عملکردی در خارج از محدوده بافت تاریخی شهر واقع شده‌اند. بااین‌وجود، به دلیل ارتباط نزدیک کارکردی با بافت مرکزی و اهمیت این عناصر در دوره‌های مختلف تاریخی بررسی آن‌ها حائز اهمیت ویژه است. ازجمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به آرامگاه سیدمرتضی و کریدور سبز بصری متصل به آن، آرامگاه مدرس و باغمزار سید حمزه اشاره کرد. امامزاده سید مرتضی واقع در شمال شهر با سابقه تاریخی صفویه از طریق کریدور سبز شهری (تصویر ۲۸) به مرکز شهر متصل شده و در حال حاضر به‌عنوان فضای تفریحی، توریستی عمل می‌کند.

تصویر ۲۷: امامزاده سید مرتضی کاشمر (مأخذ: نگارندگان)

آرامگاه مدرس نیز در جنوب غربی شهر واقع‌شده و به کمک خیابان مدرس با مرکز ارتباط دارد (تصویر ۲۹). قدمت این بنا مربوط به دوران معاصر و همزمان با دوران پهلوي اول مي‌باشد و صحن آن حضور گسترده مردم در مناسبت‌های مذهبی و ملی را فراهم آورده است. مجموعه باغمزار سید حمزه نیز با هسته تاریخی صفوی به‌عنوان یکی از زیباترین باغات ایرانی شناخته شده است که در شمال شهر بر سکویي بالاتر از سطح شهر واقع شده است. این مجموعه به‌واسطه اهمیت مذهبی، قرارگیری آرامگاه سید حمزه از نوادگان موسی بن جعفر(ع)، فرم کالبدی شاخص و کاربست اصول باغ ایرانی متمایز گشته است.



تصویر ۲۸: آرامگاه مدرس در کاشمر
(مأخذ: نگارندگان)




تصویر ۲۹: باغمزار در کاشمر
(مأخذ: نگارندگان)

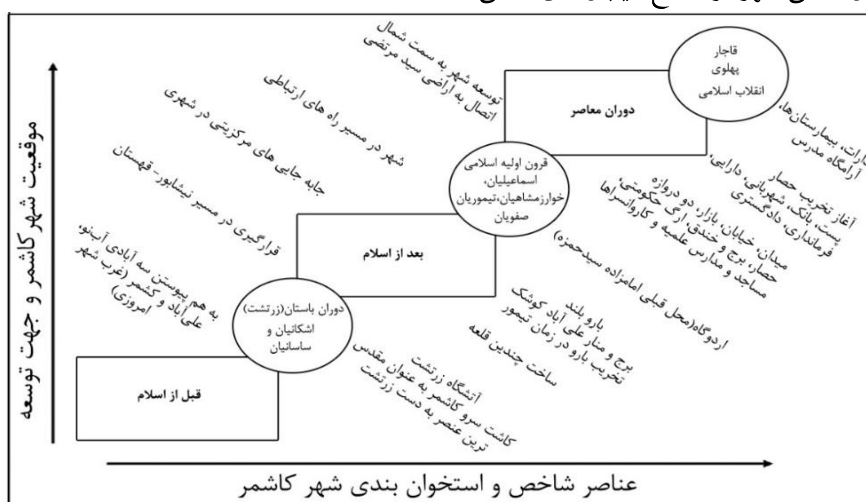
نتیجه‌گیری

توجه به ساختار و هویت بافت‌های تاریخی، به‌ویژه در دوره شتابان شهرنشینی و گسست نظام تعاملی بین اجزا شهر، حائز اهمیت است، اما باهدف پاسخگویی به اقتضائات زمانه روند تغییرات سال‌های گذشته در این بافت‌ها عموماً فارغ از توجه به استخوان‌بندی شهر کهن و سازمان فضایی آن انجام شده است. تداوم این‌چنین رویکردهایی موجب از فراموشی هویت تاریخی و از دست رفتن تمایز و تشخیص بافت‌ها خواهد گردید و شهرها را به پدیده همگونی بیشتر نزدیک خواهد ساخت. در این پژوهش بافت تاریخی شهر کاشمر باسابقه استقرار اقوام پارت باهدف بررسی تحولات ساختاری و هویتی موردبررسی قرار گرفت. بدین منظور، در ابتدا سیر تحولات ساختاری بافت تاریخی کاشمر در سه دورۀ اصلی و تاریخی (شهر قبل از اسلام، بعد از ظهور اسلام تا زمان قاجار و دوران معاصر) بررسی شد. ترشیز کهن در محدودۀ روستاهاي فیروزآباد و عبدل‌آباد کنوني (در سمت غرب شهر امروزی) رونق یافت و آنگاه پس از تخریب‌هاي مکرر، که آخرین آن به دست تیمور صورت گرفت، شهر ترشیز رها شد. ده‌ها سال بعد، مردم کاشمر به ناحیه‌ای که امروزه به محله سلطانیه معروف است، کوچ و در فاصله آن و قریه فیض‌آباد مستقر شدند. آن محل سلطان‌آباد نامیده شد. آنجا محلی است که امروزه به شهر کهنه معروف است. این محل استقرار به ترشیز معروف بود و بارو و خندق داشت. در زمان فتحعلی‌شاه قاجار، مردم شهر، ارگ حکومتی را در کنار باروی قدیم بنا کردند. حصار دیگری که پس از توسعه آن در سمت شمال غربی شهر آثار آن دیده‌شده نیز به آن زمان مربوط است که گرداگرد آن خندق احداث گردیده است. بازار شهر به‌طوری‌که در نقشه‌های قدیمی آمده است، در امتداد دو دروازۀ آن بوده و چهارسوقی در میان داشته است که تقریباً در میدان انقلاب امروزی قرار گرفته است. بازار با احداث خیابان مرکزی شهر در دوران پهلوی که با تغییر نام

شهر به کاشمر همراه بوده است، تخریب‌شده و به‌کلی از میان رفته است.

شهر در دهه‌های اخیر از همه سمت به‌خصوص در جهت شمال توسعه‌یافته به‌نحوی‌که اراضی آستان سید مرتضی هم به شهر متصل شده است. در شکل ۳۱ تحولات ساختاری و عناصر شاخص و جهت توسعه به تفکیک هریک از دوره‌های تاریخی مشخص‌شده است. جدول ۱ نشان‌دهنده تأثیر و میزان سهمی که هریک از عناصر شاخص عملکردی، کالبدی، فضاهای شهری و محورهای شهری در دوره‌های مختلف تاریخ می‌باشد. همان‌طور که مشخص است در دوران باستان بیشترین وزن در ارتباط با عناصر شاخص عملکردی مثل آتشکده‌ها بوده است. سپس در قرون اولیه اسلامی محورها در شکل‌دهی به ساختار شهر تأثیرگذار می‌شوند. در دوران صفویه نیز مفهوم فضاهای شهری شکل‌گرفته که به‌عنوان بخشی از عناصر ساختاری نقش به سزایی دارند. در دروان معاصر نیز با توجه به نقش اتومبیل در زندگی شهری، محورها به‌ویژه خیابان‌ها بیشترین سهم را در شکل دادن به ساختار شهری دارند. شکل ۳۲ ساختار بافت تاریخی کاشمر بامطالعه و شناسایی عناصر اصلی آن اعم از نشانه‌های شهری و یادمانی، عناصر عملکردی ویژه، مسیرها، فضاهای شهری و همچنین ساختار ثانویه شامل مکان‌ها و مسیرهای برگزاری مراسم‌های آیینی را نشان می‌دهد. نتیجه حاصل بر این است که مرکز شهر مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از مسجد جامع، بازار، مدرسه علمیه، کاروانسرا و لبه‌های فعال تجاری بوده، میدان اصلی شهر در تقاطع خیابان‌های اصلی و لبه‌های فعال تجاری واقع شده است. دسترسی مستقیم به مسجد جامع از طریق میدان اصلی شهر و خیابان اصلی فراهم بوده است.

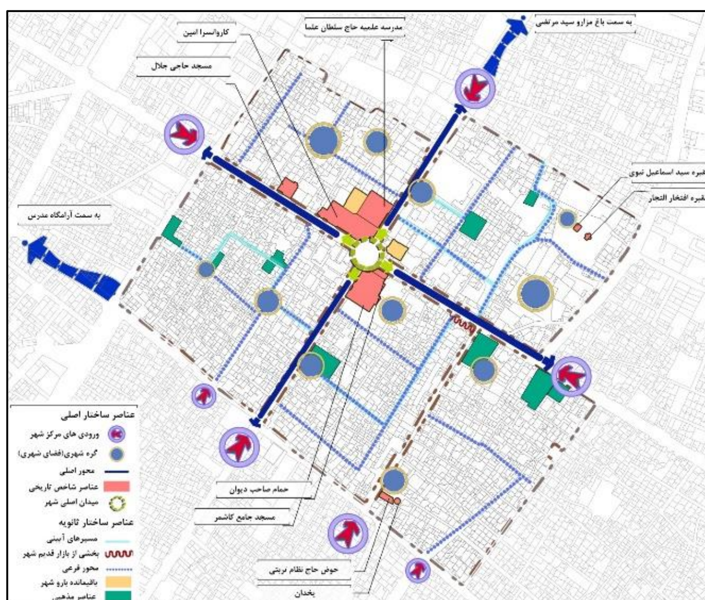
شناسایی دقیق این عناصر سازنده ساختار اصلی و تلاش برای حفظ پیوند و ارتباط این عناصر و همچنین توجه به نقش ساختار ثانویه می‌تواند به انسجام‌بخشی فضایی-کالبدی بافت و حفظ هویت تاریخی فرهنگی آن کمک نماید. بنابراین پیشنهاد می‌شود ساختار اصلی و ثانویه شهر مبنایی برای برنامه‌ریزی و طراحی برای توسعه‌های آتی و طرح‌های بازسازی و احیای مرکز شهر کاشمر باشد. بدین منظور مهم‌ترین پیشنهادها عبارت‌اند از: ۱. طراحی و ایجاد یک شبکه پیوسته میان عناصر شاخص در حوزه پیرامونی مرکز شهر (سید مرتضی، باغمزار و آرامگاه مدرس) با محدوده تاریخی مرکز شهر به‌منظور تقویت ساختار اصلی شهر. ۲. اتصال‌بخشی میان عناصر و گره‌های هویت‌بخش با ساماندهی مسیرهای اصلی در حوزه مرکزی به‌منظور تقویت ساختار اصلی بافت تاریخی. ۳. توجه به نقش ساختار ثانویه و اجزای آن نظیر مسیر دسته‌های عزاداری و مسیر حرکت پیاده در انسجام‌بخشی کالبدی عملکردی در بافت تاریخی. ۴. تقویت و احیای بازار تاریخی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر ساختار شهر. ۵. احیا محورهای و گذرهای فرعی باارزش تاریخی. ۶. تقویت عناصر شاخص حوزه تاریخی به لحاظ کالبدی و عملکردی (مسجد جامع، کاروانسرای امین‌التجار، حوزه علمیه سلطانیه، رباط قدیم شهر، یخدان تاریخی)



تصویر ۳۰: عناصر شاخص و جهت توسعه شهر کاشمر در دوران مختلف تاریخی (مأخذ: نگارندگان)

جدول ۱: تحلیل سهم عناصر تأثیرگذار در ساختار و استخوان‌بندی شهر کاشمر در طول تاریخ (مأخذ: نگارندگان)

دوران قبل از اسلام	دوران بعد از اسلام		دوران معاصر		
دوران باستان- ساسانیان	قرون اولیه اسلامی	صفویان	قاجار	پهلوی	انقلاب اسلامی
فضاهای شهری	محورهای عملکردی	عناصر شاخص عملکردی	عناصر شاخص کالبدی		



تصویر ۳۱: عناصر هویتی در ساختار و بافت تاریخی کاشمر (مأخذ: نگارندگان)

فهرست منابع

۱. افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۷۸). ***شناخت استان خراسان***. تهران: هیرمند.

۲. افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۸۷). ***پژوهشی در نام شهرهای ایران***. تهران: روزنه.

۳. اهری، زهرا. (۱۳۹٤). «شناسایی ساختار ثانویه شهر ایرانی در دوره قاجاریه». ***هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی***. (شماره ۲۰)، ۳٤-۲۳.

٤. اهری، زهرا. (۱۳۹۵). «تأملی بر مفهوم ساختار و چگونگی شناسایی آن در شهر ایرانی پیش از دوران مدرن». ***پژوهش معماری و شهرسازی اسلامی***. (شماره ۲)، ٦۹-٤۵.

۵. ایراندوست، کیومرث؛ و آرمان بهمنی اورامانی. (۱۳۹۰). «تحولات کالبدی بازار سنتی در شهرهای ایران، مطالعه موردی: بازار شهر کرمانشاه». ***مطالعات شهر ایرانی اسلامی***. (شماره ۵)، ۱۵-۵.

٦. بذرگر، محمدرضا. (۱۳۸۲). ***شهرسازي و ساخت اصلي شهر***. شیراز: کوشامهر.

۷. پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۹۴). ***تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از آغاز تا دوران قاجار***. تهران: آرمانشهر.

۸. حبیبی، محسن. (۱۳۸۷). ***از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر)***، تهران: دانشگاه تهران.

۹. حسینی، احمد. (۱۳۸۳). ***تاریخ بردسکن با نگاهی ویژه به ترشیز قدیم***. سبزوار: امید مهر.

۱۰. حقیقت، عبدالرفیع. (۱۳۷٦). ***فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستان‌های ایران***. تهران: کومش.

۱۱. حموی، یاقوت بن عبدالله. (۱۳۸۰). ***معجم البلدان.*** ج۱. ترجمه علینقلی منزوی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

۱۲. خالدیان، ستار؛ و همکاران. (۱۳۹۳). «تبیین جایگاه اسلام در روند شهرنشینی و سازمان فضای شهر ایران». ***مطالعات شهر ایرانی اسلامی.*** (شماره ۱۷)، ۱۸- ۵.

۱۳. حمیدی، ملیحه؛ و همکاران. (۱۳۷٦). ***استخوانبندی شهر تهران؛*** جلد اول، بررسی مفاهیم و نمونه ها (ایران و جهان). تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران.

۱۴. خسروی، محمدرضا. (۱۳۷۲). ***تاریخ کاشمر.*** مشهد: آستان قدس رضوی.

۱۵. دانشپور، سیدعبدالهادی؛ و مریم روستا. (۱۳۹۱). «خوانش ساختار شهر؛ گامی به‌سوی شکل شناسی شهری». ***انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران.*** (شماره ٤)، ٥٤-٤٥.

۱٦. دانشپور، عبدالهادی؛ و الهام شیری. (۱۳۹٤). «عناصر کالبدی، کارکردی شکل‌دهنده به هویت بافت‌های تاریخی شهر ایرانی اسلامی». ***نقش‌جهان.*** (شماره ٥)، ۲٥- ۱۷.

۱۷. رهنمایی، محمدتقی؛ و همکاران. (۱۳۸٦). «سیر تحول ساختاری و عملکردی محله در شهرهای ایران». ***جغرافیای ایران.*** (شماره ۱۲)، ٤۳-۱۹.

۱۸. سعیدیان، عبدالحسین. (۱۳۷۹). ***شناخت شهرهای ایران.*** تهران: علم و زندگی.

۱۹. سلطانزاده، حسین. (۱۳٦۲). ***روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران.*** تهران: آگاه.

۲۰. سلطانی‌فرد، هادی؛ و همکاران. (۱۳۹۲). «تحلیل دگرگونی ساختار کالبدی- فضایی شهر ایرانی-اسلامی مطالعه موردی: شهر سبزوار». ***مطالعات شهر ایرانی اسلامی.*** (شماره ١٤)، ۲۱- ۱۳.

۲۱. شیعه، اسماعیل؛ و همکاران. (۱۳۹۲). «بررسی تعامل مراسم آیینی و ساخت شهر مشهد در طرح‌های توسعه شهری، نمونه موردی مراسم عزاداری ایام محرم و صفر در بافت قدیم مشهد». ***پژوهش‌های معماری اسلامی.*** (شماره ۱)، ۱۲۰- ۱۰۳.

۲۲. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵). ***شاهنامه.*** ویرایش فریدون جنیدی. ج۳. تهران: بنیاد نیشابور، بلخ.

۲۳. گابریل، آلفونس. (۱۳۴۸). ***تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران.*** ترجمه فتحعلی خواجه‌نوری. تهران: اساطیر.

۲۴. لسترنج، گای. (۱۳۸۳). ***جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی.*** ترجمه محمود عرفان. تهران: علمی و فرهنگی.

۲۵. مشکوتی، نصرت‌الله. (۱۳۴۵). ***فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران.*** تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.

۲٦. مهندسین مشاور معمار و شهرساز پلی اربانیک. (۱۳٦۱). ***طرح جامع شهر کاشمر.*** *تهران:* وزارت مسکن و شهرسازی.

۲۷. مهندسین مشاور معمار و شهرساز زیست کاوش. (۱۳۸٦). ***طرح تفصیلی شهر کاشمر.*** *تهران:* وزارت مسکن و شهرسازی.